



تاریخچه نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم

هادی حجّت

سخن در باب تاریخ نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم مبحثی است که تا کنون توجه کافی بدان مبذول نشده است. با تفحصی که در مقالات نوشته شده در زمینه‌های مختلف ترجمه قرآن کریم به فارسی به عمل آمد، می‌توان به قطع ادعا کرد که در میان انبوه مقالات و کتب قرآنی که در نیم قرن اخیر در ایران به چاپ رسیده است هیچ یک این بحث را به دقت بررسی نکرده‌اند. بی‌شک عمر نسبتاً کوتاه نقادی ترجمه‌های قرآن کریم در این امر بی‌تأثیر نبوده است، لیکن از آن جا که همین نیم قرن نقادی جدی ترجمه‌های قرآن خود شاهد فراز و نشیب‌ها و گاه رکودهایی بوده است، یقیناً پرداختن به این بحث، پژوهشگران عرصه ترجمه قرآن مجید را خالی از فایده نخواهد بود.

۱ / پیشینه نقد ترجمه‌های کهن قرآن به فارسی

ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی پیشینه‌ای هزار و چند ساله دارد. اشتیاق پارسی زبانان مسلمان و تشنگان خطه ایران به زلال معارف قرآن، از آغاز، اندیشه‌ورزان و مترجمان را بر

آن داشت تا با برگردان کلام حق، پیام خدای متعال را نه فقط به گوش و دیده جویندگان مشتاق که به دل‌های آنان نیز سرازیر سازند. مترجمان در هر عصر و دوره‌ای می‌کوشیدند تا این وظیفه را با دقتی تمام به انجام رسانند؛ اما این مطلب هرگز به معنای بی‌غلط بودن و صحت کامل ترجمه‌های آنان نیست. جست و جو در آثار عالمان و مترجمان پیشین ما را به این مطلب رهنمون می‌شود که آنان هرگز در صدد نقد جدی و علمی ترجمه‌های پیش از خود و برملا کردن نقایص ترجمه‌های قبل برنیامدند، گرچه گاه خطاهای آنان را در ترجمه‌های خود اصلاح می‌کردند و یا واژگانی نزدیک‌تر به معنای واژگان قرآنی را در برگردان خویش به کار می‌بردند؛ برخلاف ترجمه‌های جدید و معاصر که بسیاری از آنها هنوز چند ماهی از تاریخ نشرشان نگذشته با نقد و گاه نقدهای متعدد مواجه می‌شوند، تا جایی که کمتر ترجمه‌ای از ترجمه‌های فارسی دههٔ اخیر را می‌توان یافت که زیر ذره‌بین موشکافانهٔ ناقدان معاصر قرار نگرفته باشد.

علل عدم توجه پیشینان به نقد ترجمه‌های قرآن را می‌توان چنین برشمرد:

۱. با مراجعه به آثار پیشینیان در زمینهٔ نقد، به خوبی این حقیقت آشکار می‌شود که نقد ترجمه در محافل علمی آن زمان جایگاهی نداشته است تا در پرتو آن ترجمه‌های قرآن کریم نیز به نقادی کشیده شود. لذا در آثار کهن به ندرت مطلبی یافت می‌شود که به نقد ترجمهٔ یکی از آثار علمی یا ادبی آن زمان پرداخته باشد.

۲. با نگاهی به نقدهای نوشته شده در نیم قرن اخیر، پی می‌بریم که حجم قابل توجهی از آنها به عدم رعایت ساختارهای نحوی دو زبان مبدأ و مقصد، دخالت عنصر تفسیر در ترجمه و افزوده‌های تفسیری و عدم رعایت مقتضیات زبان فارسی در برگردان آیات و ... بر می‌گردند؛ مباحثی که عمدتاً در شیوهٔ ترجمهٔ روان و غیر تحت‌اللفظ قابل طرح‌اند. اما فضای غالب بر ترجمه‌های کهن، تحت‌اللفظی بودن آنها و کم‌رنگ بودن رعایت ساختارهای نحوی فارسی در آنهاست؛ تا آن جا که یکی از پژوهشگران معاصر تاریخ ترجمه از عربی به فارسی در این باره می‌نویسد:

«آن بزرگان جرأت نکردند قرآن را ترجمه کنند. هرچند ما به کار آنها ترجمه می‌گوییم ولی در واقع شاید نامگذاری غلطی باشد، بهتر است نام کار آنان را معادل یابی بگذاریم»^۱.

۱. آذرتاش آذرنوش، «تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، ترجمه‌های قرآن (گفت و گو)»، سروش، سال هجدهم، ش ۸۲۲، بهمن ۱۳۷۵، ص ۴۰.

بدیهی است که با حاکم بودن چنین فضایی بر ترجمه‌های کهن، زمینه طرح بسیاری از مسائلی که در نقدهای جدید ترجمه قرآن مطرح است – و در بالا به نمونه‌هایی از آن اشاره کردیم – خود به خود در ترجمه‌های کهن منتفی می‌گردد.

۳. این احتمال نیز وجود دارد که تسری دادن اندیشه قداست قرآن و نقد ناپذیری عبارات و معانی بلند آن به ترجمه‌های بشری که از این کلام الهی به عمل می‌آمد، در عدم استقبال ناقدان به نقد ترجمه‌های قرآن کریم بی‌تأثیر نبوده باشد.

در لا به لای آثار بر جای مانده از پیشینیان آنچه در آن اثری از نقد ترجمه‌های کهن بتوان یافت – همچون عبارات زیر – بسیار اندک است. همان گونه که خواهید دید، در این عبارات به کلی گویی در زمینه اشکالات ترجمه‌های قبلی اکتفا شده و نویسندگان هرگز مصادیق این اشکالات را در ترجمه آیه‌ای خاص از مترجمی مشخص، تعیین نکرده‌اند. ابوالمظفر اسفراینی (متوفی ۴۷۱ق) در دیباچه خود بر تاج التراجم می‌نویسد:

«... و حاجت همی افتاد گروهانی را که غالب بر ایشان پارسی بود بدانکه ترجمه باشد الفاظ قرآن را، بر وجهی که ایشان را بر خواندن آن به جمله سبیل باشد. هر چند که اندر مجالس علم، تفاریق آن همی شنیدند و از بهر آن چند کس تعرض کردند اندر عصرهای مختلف که ترجمه کنند کتاب خدای را – جلّ جلاله – به پارسی و چون بزرگان علما آن را مطالعت کردند، اندران خللهای بسیاری یافتندی. برخی از جهت عبارتی که اندران موافقت لغت نگاه داشته بودند و الفاظ مفسران را تتبع نکرده بودند و برخی از قبیل آنکه الفاظی را اطلاق کردند موهوم، تشبیه را خواستندی که به یک لفظ پارسی ترجمه کنند تا معنی آن ناقص گردیدی و فایده آن ناپیدا و ندانستندی که الفاظ قرآن شریفتر و جامعتر از آن است که معنی یکی از آن به یک لفظ پارسی بتوان نمود. پس چون اندران ترجمه‌ها که کرده بودند، این خللهها دیدیم که یاد کردیم، از خداوند – سبحانه و تعالی – توفیق خواستیم و بدان مقدار که توفیق یافتیم، اجتهاد کردیم اندر راست کردن الفاظی به پارسی، که ترجمه آن را بشاید لغت عرب را، موافق اقوال مفسران و موافق اصول دیانت را و مصون از هر تأویلی که متضمن بود چیزی را از تعطیل و تشبیه و یا نصرت چیزی را از مذاهب اهل الحاد و بدعت، راست و مستقیم بر طریقت اهل سنت و جماعت»^۱.

شاه ولی الله دهلوی (متوفی ۱۱۷۶ق) نیز در عبارتی ترجمه‌های پیش از خود را چنین به نقد می‌کشد:

«... یک چند در تفحص ترجمه‌ها افتاد تا هر که را که از تراجم، غیر آن که بخاطر مقرر شده است،

۱. ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، ج ۱، تصحیح نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب - علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵، صص ۵-۶.

مناسب یابد در ترویج آن کوشد و کیف ما آمکن پیش اهل عصر مرغوب نماید. در بعضی تطویل مُمل یافت و در بعضی تقصیر مغلّ، هیچ یک موافق آن میزان نیفتاد. لاجرم عزم تألیف ترجمه دیگر مصمم شد...»^۱

وی در جای دیگری از مقدمه خویش می نویسد:

«... پنجم آنکه ترجمه‌ها خالی از دو حالت نیستند: یا ترجمه تحت اللفظ می‌باشند، یا ترجمه حاصل المعنی، و در هر یکی وجوه خلل بسیار در می‌یابد و این ترجمه جامع است در هر دو طریق، و هر خللی را از آن خللها علاجی مقرر کرده شد و این سخن دراز است، در رساله قواعد ترجمه بیان کرده آید»^۲.

اما در زمینه نقد ترجمه‌های کهن توسط ناقدان و مترجمان معاصر نیز وضع چندان تفاوتی ندارد و به ندرت می‌توان نمونه‌هایی از نقد آثار کهن را در مباحث آنان یافت. آنچه درباره ترجمه‌های پیشین در این چند دهه نوشته شده همواره در راستای معرفی و بیان مزایای این ترجمه‌ها بوده است و گاه در بیان برتری آنها بر ترجمه‌های معاصر؛ کاری که بیشتر توسط نسخه‌شناسان و احیاگران نسخ خطی قرآن کریم و نویسندگان سره نویس پارسی دوست انجام گرفته است. بدیهی است احیای نسخه‌های ناشناخته که جزئی از گنجینه ارزشمند زبان و فرهنگ ایران زمین به شمار می‌رود، با فضای حاکم بر نقد و نقادی این نسخه‌ها چندان سازگار نیست. لذا می‌توان گفت که این نسخه‌ها بیشتر در معرض نقدها و ارزیابی‌های مثبت قرار گرفته‌اند تا نقدهای منفی و عیب جویانه. نمونه‌های متعدد آن را در مقدمه‌ها و دیباچه‌هایی که احیاگران نسخ خطی ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی بر این کتاب‌ها نوشته‌اند به وضوح می‌توان مشاهده کرد.^۳ از آن جا که ترجمه‌های کهن به دلایلی که گذشت، هرگز مورد نقد تفصیلی و مستقل علمی قرار نگرفته‌اند، به سختی می‌توان اشاراتی را که حاکی از نقد این ترجمه‌ها باشد در لا به لای نوشته‌های ناقدان معاصر قرآن مشاهده کرد. از اندک موارد نقد ضمنی ترجمه‌ها توسط معاصران چند نمونه را ذکر می‌کنیم:

الف) آقای ابوالقاسم پاینده که در مقدمه ترجمه خود به شدت از تحت اللفظی بودن

۱. شاه ولی الله دهلوی، فتح الرحمن بترجمة القرآن، مقدمه، ص «الف» و «ب».

۲. همان، ص «ه».

۳. برای نمونه نگاه کنید به: دیباچه ترجمه قرآن (نسخه مورخ ۵۵۶ هجری) و مقدمه کتاب فرهنگنامه قرآنی به قلم محمد جعفر یاحقی و مقدمه کتاب تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم به تصحیح آقایان نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی.

ترجمه‌های پیشین گله‌مند است در این باره می‌نویسد:

«برای نمونه، جمله‌ای چند از یک ترجمه بسیار قدیم قرآن را که بعضی متأدبان به حکم کهنسالی، شاهکار ترجمه‌های قرآنی می‌خوانند در این جا می‌آورم. مثلاً ترجمه آیه ۲۳۱ از سوره بقره چنین است: «و چون طلاق دهید زنان را برسند به وقت عدت ایشان مه باز دار بدشان که شوهری کنند زنا نشان را چون پسندند میان ایشان به نیکوی، این پند دهند بدان آنکه بود از شما که بگروید بخدای و روز رستخیز»^۱.

ب) آقای جلال‌الدین فارسی نیز در مقدمه ترجمه قرآن خود می‌نویسد:

«... ترجمه این استادان بزرگ [امثال میبیدی و ابوالفتح رازی در تفسیرهایشان] با همه زیبایی و استحکامش خالی از اشتباه و نقص نیست، چنانکه همگی تا به امروز، «العالمون» را در جمله «... رب العالمین» به «جهانیان» ترجمه کرده‌اند. حال آن که این کلمه [یعنی جهانیان] ترجمه العالمیون است»^۲.

ناگفته نماند که این مطلب سخت مورد انتقاد آقای خرمشاهی قرار گرفته است.^۳ اما هر چه باشد، داشتن نگاه نقادانه آن به ترجمه میبیدی و ابوالفتح را نمی‌توان انکار کرد. ج) آقای مرتضی کریمی‌نیا نیز در مقاله ارزشمند خود تحت عنوان «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن» با بررسی چند ترجمه اعم از کهن و معاصر نشان می‌دهد که مترجمان چگونه از این اصل عدول کرده و آیات یکسان و یک شکل را با تعابیر مختلف و متفاوت ترجمه کرده‌اند، و چند بخش از آیات را که در قرآن عیناً در دو یا چند سوره تکرار شده است نمونه می‌آورد؛ مثلاً در ترجمه نوبت اول رشیدالدین میبیدی در کشف الاسرار و عدة الابرار چنین آمده است:

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ»

(انعام / ۹۱): «خدای را نشناختند سزای شناختن وی و بزرگی وی ندانستند».

(حج / ۷۴): «سزای الله تعالی بدانستند چنانکه بایست».

(زمر / ۶۷): «بدانستند چندی و چونی الله».

در ترجمه شاه ولی الله محدث دهلوی:

۱. ابوالقاسم پاینده، «مقدمه‌ای بر ترجمه قرآن مجید»، جاویدان، ۱۳۳۶، صص ل-لا.
۲. القرآن الکریم، ترجمه جلال‌الدین فارسی، چاپ اول، تهران، انجام کتاب، ۱۳۶۹، مقدمه.
۳. رک: بهاء‌الدین خرمشاهی، «ترجمه قرآن مجید به قلم جلال‌الدین فارسی»، قرآن پژوهی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۲، صص ۴۰۳-۴۱۰.

«بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ»

(آل عمران / ۱۸۴): «حجت‌ها و صحیفه‌ها».

(نحل / ۴۴): «دلایل و کتاب‌ها».

(فاطر / ۲۵): «نشانه‌های واضح و نامه‌های الهی».^۱

این سه نمونه و نمونه‌های اندک دیگری از این قبیل نشان دهنده آن است که ناقدان و مترجمان معاصر قرآن کریم هر چند، گاه در نقد خود به ترجمه‌ای کهن نیز نظری می‌انداختند، لیکن هرگز ترجمه‌های کهن را به تفصیل و گسترده‌گی ترجمه‌های معاصر به نقد نکشیده‌اند.

۲ / □ تاریخچه نقد ترجمه‌های معاصر قرآن به فارسی

اولین مقاله‌ای که مشخصاً در مطبوعات ایران به نقد یکی از ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی پرداخته است، نقدی است که استاد شهید مرتضی مطهری در اردیبهشت ۱۳۳۷ در مجله یغما بر ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده نوشته است. استاد مطهری در این مقاله که یک سال پس از چاپ ترجمه پاینده نوشته شده است می‌نویسد:

«هر چند ملاحظاتی که در ترجمه آقای پاینده به نظر این جانب رسید (تا آنجا که تاکنون موفق به مطالعه آن شده‌ام) طوری نیست که بتوان نام آن را «خطای فاضح» گذارد، ولی این قدر هست که بتوان سکوت در برابر آن را ناروا شمرد. مطالعات این جانب در این ترجمه از اول قرآن به ترتیب بوده، بلکه بر حسب تصادف، اولین قسمتی که مورد مطالعه قرار گرفت سوره مبارکه یس بود، و اینک آنچه که در ترجمه این سوره مبارکه به نظر من رسیده در معرض مطالعه خوانندگان محترم مجله یغما قرار می‌دهم و اگر توفیق رفیقم شد، بعداً به سایر قسمتها می‌پردازم».^۲

متأسفانه این نقد عالمانه نسبتاً کوتاه — که تنها در پنج بند تنظیم یافته بود — ادامه پیدا نکرد. از عبارتی که سردبیر مجله یغما (حبیب یغمایی) در آغاز همین مقاله آورده است می‌توان فهمید که در نقد این ترجمه، قبل از آن نیز کسانی دست به قلم برده بوده‌اند، هر چند مقالات آنان به چاپ نرسیده و اطلاعی از نویسنده و کیفیت مقالات در دست نیست. عبارت وی

۱. مرتضی کریمی‌نیا، «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، ترجمان وحی، سال اول، ش ۱، شهریور ۱۳۷۶، ص ۱۸.

۲. مرتضی مطهری، «ترجمه قرآن مجید به اهتمام آقای ابوالقاسم پاینده»، یغما، سال ۱۱، ش ۲، اردیبهشت ۱۳۳۷، ص ۸۰. این مقاله در مجله بیانات سال سوم، ش ۱۲، زمستان ۱۳۷۵، صص ۹۶-۱۰۴ نیز مجدداً به چاپ رسیده است.

چنین است:

«درباره ترجمه قرآن مجید به قلم جناب آقای ابوالقاسم پاینده - دامت توفیقاته - در سال گذشته مقالاتی به مجله یغما رسیده که در چاپ آنها تأمل رفت، زیرا اظهار نظر و عقیده در ترجمه قرآن مجید غیر از اظهار عقیده و نظری است که درباره کتابهای معمولی می‌شود و منتقد باید مجتهد و عالم و متبحر و مذهبی و منزّه باشد... با رعایت این جوانب، اینک مقاله‌ای را که جناب آقای مرتضی مطهری - دامت برکاته - مرقوم فرموده‌اند چاپ می‌کنیم»^۱.

گرچه نقد استاد مطهری اولین نقد خاص و مستقلی بود که در این زمینه به چاپ رسید، اما، چنان که دیدیم، مرحوم پاینده خود، پیش از این در سال ۱۳۳۶ در مقدمه ترجمه‌اش بر قرآن، به طور ضمنی و بدون تصریح به نام مترجم، به نقد ترجمه‌ای کهن و نیز نقد ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای پرداخته بود.

نقد مستقل دوم نیز بر ترجمه آقای پاینده نوشته شد؛ نقدی مفصل و عالمانه توسط علامه فرزانه که در هفت قسمت در مجله یغما (از دی ۱۳۳۷ تا مهر ۱۳۳۸) به چاپ رسید. نقد سوم هم بر همین ترجمه توسط آقای غلامرضا طاهر در سال ۱۳۴۰ چاپ شد.

پس از مقالات این سه تن (آقایان: مطهری، فرزانه و طاهر) که در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ و ۱۳۴۰ به چاپ رسید، تاریخچه نقد ترجمه‌های قرآن کریم با رکودی ۱۸ ساله مواجه شد؛ دورانی که می‌توان آن را دوران رکود و فترت نقد ترجمه‌های قرآن نامید، زیرا از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۸ که آغاز مرحله جدید نقد به شمار می‌رود، هیچ مقاله‌ای در مجلات و روزنامه‌های ایران در این زمینه به چاپ نرسید؛ تنها مقاله‌ای که می‌توان در این فاصله از آن نام برد، مقاله‌ای بود که مرحوم سید محمد محیط طباطبایی در نقد ترجمه آقای شهرام هدایت با عنوان «نظری جدید به ترجمه‌ای جدید از قرآن مجید» در سال ۱۳۵۹ در مجله آینده به چاپ رساند. سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۱ نیز بدون نقد سپری شد، اما سال ۱۳۷۲ با چاپ کتاب قرآن‌پژوهی توسط آقای بهاء‌الدین خرمشاهی شاهد چند نقد جدی و جدید بر ترجمه‌های فارسی آقایان آیتی، بهبودی، فارسی، خواجوی و الهی قمشه‌ای بودیم. این روند ادامه یافت تا این که در سال ۱۳۷۵ نقد ترجمه‌های قرآن کریم با چاپ حدوداً ۲۳ مقاله در نقد و جواب نقد به نقطه اوج خود رسید؛ روندی که پس از آن با سیر نزولی مواجه شد. جدول و نموداری که در صفحات بعد مشاهده می‌کنید، به خوبی فراز و نشیب‌های روند نقد ترجمه‌های قرآن کریم را تا پایان سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد.

در این جدول از نشانه‌های اختصاری زیر استفاده شده است:
 ت = ترجمه؛ ج = جواب؛ ق = قسمت؛ م = معرفی؛ ن = نقد.



جدول سیر تاریخی نقدها و جواب‌ها

ردیف	تاریخ چاپ	نویسنده	درباره	نام مقاله	نوع اثر	آدرس
۱	۱۳۳۷/۲	مرتضی مطهری	ت: پاینده	ترجمه قرآن مجید به اهتمام آقای ابوالقاسم پاینده	ن	یغما، ۱۱، ش ۲
۲	۱۳۳۷/۱۰	سیدمحمدفرزان	ت: پاینده	ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۱	ن	یغما، ۱۱، ش ۱۰
۳	۱۳۳۷/۱۱	سیدمحمدفرزان	ت: پاینده	ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۲	ن	یغما، ۱۱، ش ۱۱
۴	۱۳۳۷/۱۲	سیدمحمدفرزان	ت: پاینده	ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۳	ن	یغما، ۱۱، ش ۱۲
۵	۱۳۳۸/۱	سیدمحمدفرزان	ت: پاینده	ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۴	ن	یغما، ۱۲، ش ۱
۶	۱۳۳۸/۳	سیدمحمدفرزان	ت: پاینده	ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۵	ن	یغما، ۱۲، ش ۳
۷	۱۳۳۸/۶	سیدمحمدفرزان	ت: پاینده	ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۶	ن	یغما، ۱۲، ش ۶
۸	۱۳۳۸/۷	سیدمحمدفرزان	ت: پاینده	ترجمه قرآن مجید به قلم آقای ابوالقاسم پاینده، ق ۷	ن	یغما، ۱۲، ش ۷
۹	۱۳۴۰/۶و۵	غلامرضا طاهر	ت: پاینده	ترجمه قرآن از پاینده	ن	راهنمای کتاب، س ۴، ش ۵ و ۶
۱۰	۱۳۴۰/۶و۵	سیدمحمدفرزان	[ت: پاینده]	جواب استادفرزان [بمنقدهای طاهر]	ج	راهنمای کتاب، س ۴، ش ۵ و ۶
۱۱	۱۳۴۰/۹	غلامرضا طاهر	ت: پاینده	سقطات از ترجمه قرآن مجید	ن	یغما، ۱۴، ش ۹
۱۲	۱۳۴۰/۱۲و۱۱	سیدمحمدفرزان	[ت: پاینده]	جواب استادفرزان [به نامه طاهر]	ج	راهنمای کتاب، س ۴، ش ۱۱ و ۱۲
۱۳	۱۳۴۰/۱۲و۱۱	غلامرضا طاهر	ت: پاینده	ترجمه قرآن از پاینده	ن	راهنمای کتاب، س ۴، ش ۱۱ و ۱۲
۱۴	۱۳۵۹/۱۲و۹	سیدمحمد، محیط طباطبایی	ت: هدایت	نظری به ترجمه‌ای جدید از قرآن مجید	ن	آینده، س ۶، ش ۹-۱۲
۱۵	۱۳۶۸/۶و۵	علیرضا کاوتی فراگزلو	ت: آیتی	نگاهی به ترجمه تازه قرآن کریم	ن	نشر دانش، س ۹، ش ۵
۱۶	۱۳۶۸/۱۲و۱۱	سیدعبدالوهاب طالقانی	ت: قمش‌های و آیتی	نقد ترجمه‌های معروف قرآن به زبان فارسی	ن	کیهان اندیشه، ش ۲۸
۱۷	۱۳۷۰/۷و۶	کاظم کریمی	ت: آیتی	ترجمه یا تحریف	ن	نور علم، س ۴، ش ۴۱
۱۸	۱۳۷۰/۷و۶	گروه مترجمان دارالقرآن	چند ترجمه	ترجمه‌ای جدید از قرآن مجید	ن	کیهان اندیشه، ش ۳۸
۱۹	۱۳۷۰/۱۰ و ۳	جلال الدین فارسی	نظر گروه مترجمان	پاسخ به انتقاد	ج	کیهان اندیشه، ش ۳۹

تاریخچه نقد ترجمه‌های ... □ ۵۷

ردیف	تاریخ چاپ	نویسنده	درباره	نام مقاله	نوع اثر	آدرس
۲۰	۱۳۷۰/۱۲ و ۱۱	محمد رضا ژنتری	نظر گروه مترجمان	دقت در ترجمه قرآن	ن	کیهان اندیشه، ش ۴۰
۲۱	۱۳۷۲/۶-۴	سید محمد فرزانه	ت: پاینده	نقدی بر ترجمه ابوالقاسم پاینده از قرآن	ن	مترجم، س ۳، ش ۱۰
۲۲	۱۳۷۲/۶-۴	سید حسین سیدی	ت: آیتی	تأملاتی درباره ترجمه قرآن بانگاهی به ترجمه استاد آیتی	ن	مترجم، س ۳، ش ۱۰
۲۳	۱۳۷۲/۶-۴	حسین استادولی	ت: بهبودی	ترجمه‌های اسفانگیز از قرآن کریم، نقدی بر معانی القرآن	ن	مترجم، س ۳، ش ۱۰
۲۴	۱۳۷۲/۹-۷	بهاء الدین خرمشاهی	ت: قمشهای	درباره ترجمه شادروان الهی قمشهای از قرآن	ن	وقف، میراث جاویدان، س ۱، ش ۳
۲۵	۱۳۷۲/۱۲-۷	محمد باقر بهبودی	[ت: بهبودی]	زبان معانی القرآن	ج	مترجم، س ۳، ش ۱۱-۱۲
۲۶	۱۳۷۲/۱۲ و ۱۱	بهاء الدین خرمشاهی	ت: بهبودی	نیز: درباره معانی القرآن محمد باقر بهبودی	ن	کیان، س ۳، ش ۱۷
۲۷	۱۳۷۲/۱۲-۱۰	بهاء الدین خرمشاهی	ت: فارسی	درباره ترجمه جلال الدین فارسی از قرآن مجید	ن	وقف، میراث جاویدان، س ۱، ش ۴
۲۸	۱۳۷۲/۱۲	بهاء الدین خرمشاهی	ت: بهبودی	ترجمه قرآن مجید به قلم محمد باقر بهبودی	ن	قرآن پژوهی
۲۹	۱۳۷۲/۱۲	بهاء الدین خرمشاهی	ت: آیتی	ترجمه قرآن مجید به قلم عبدالمحمد آیتی	ن	قرآن پژوهی
۳۰	۱۳۷۲/۱۲	بهاء الدین خرمشاهی	ت: قمشهای	ترجمه قرآن مجید به قلم شادروان مهدی الهی قمشهای	ن	قرآن پژوهی
۳۱	۱۳۷۲/۱۲	بهاء الدین خرمشاهی	ت: فارسی	ترجمه قرآن مجید به قلم جلال الدین فارسی	ن	قرآن پژوهی
۳۲	۱۳۷۲/۱۲	بهاء الدین خرمشاهی	ت: خواجوی	ترجمه قلم مجید به قلم محمد خواجوی	ن	قرآن پژوهی
۳۳	۱۳۷۳/۳	محمد باقر بهبودی	[ت: بهبودی]	دفاع از معانی القرآن	ج	کیان، س ۴، ش ۱۹
۳۴	۱۳۷۳/۳-۱	احمد احمدی	ت: قمشهای و معزی	ضرورت ترجمه‌ای آکادمیک از قرآن کریم	ن	بینات، س ۱، ش ۱
۳۵	۱۳۷۳/۳-۱	حسین استادولی	چند ترجمه	نگز نگاه‌های ترجمه قرآن کریم، ق ۱	ن	بینات، س ۱، ش ۱
۳۶	۱۳۷۳/۳-۱	احمد بهشتی	[ت: قمشهای]	درباره نقد ترجمه شادروان الهی قمشهای از قرآن	ج	وقف، میراث جاویدان، س ۲، ش ۵
۳۷	۱۳۷۳/۳-۴	مرتضی کرناسی [کریمی‌نیا]	چند ترجمه	مترجمان و لغزش در فهم معنای «ان»	ن	بینات، س ۱، ش ۲
۳۸	۱۳۷۳/۳-۴	حسین استادولی	چند ترجمه	نگز نگاه‌های ترجمه قرآن کریم، ق ۲	ن	بینات، س ۱، ش ۲
۳۹	۱۳۷۳/۳-۴	محمد علی کوشا	ت: امامی	نقدی بر ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی از قرآن	ن	وقف، میراث جاویدان، س ۲، ش ۶
۴۰	۱۳۷۳/۷	بهاء الدین خرمشاهی	ت: قمشهای	نقدی بر ترجمه الهی قمشهای از قرآن مجید، ق ۱	ن	بصائر، س ۱، ش ۲
۴۱	۱۳۷۳/۸	بهاء الدین خرمشاهی	ت: قمشهای	نقدی بر ترجمه الهی قمشهای از قرآن مجید، ق ۲	ن	بصائر، س ۱، ش ۳
۴۲	۱۳۷۳/۹-۷	حسین استادولی	چند ترجمه	نگز نگاه‌های ترجمه قرآن کریم، ق ۳	ن	بینات، س ۱، ش ۳
۴۳	۱۳۷۳/۱۲-۱۰	حسین استادولی	چند ترجمه	نگز نگاه‌های ترجمه قرآن کریم، ق ۴	ن	بینات، س ۱، ش ۴
۴۴	۱۳۷۴/۳-۱	مسعود مهدوی	ت: بهبودی	مروری بر معانی القرآن	ن	فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۱
۴۵	۱۳۷۴/۳-۱	سیدحیدر علوی نژاد	ت: آیتی	نگرشی به ترجمه قرآن استاد آیتی	ن	فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۱

ردیف	تاریخ چاپ	نویسنده	درباره	نام مقاله	نوع اثر	آدرس
۴۶	۱۳۷۴/۳-۱	رضاضایی	ت فارسی	نگاهی به ترجمه قرآن استاد جلال الدین فارسی	ن	فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۱
۴۷	۱۳۷۴/۳-۱	موسی حسینی	ت مجتبی	با ترجمه قرآن استامجتبی	ن	فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۱
۴۸	۱۳۷۴/۳-۱	حسین استادولی	چند ترجمه	غزشگاه های ترجمه قرآن کریم، ق ۵	ن	بینات، س ۲، ش ۵
۴۹	۱۳۷۴/۳-۱	محمد علی سلطانی	ت فولادوند	نگاهی به ترجمه سوره حمد و بقره در ترجمه استاد فولادوند	ن	بینات، س ۲، ش ۵
۵۰	۱۳۷۴/۶-۴	مرتضی کرباسی [کریمی نیا]	ت فولادوند	نگاهی به ترجمه قرآن کریم محمد مهدی فولادوند	ن	فصلنامه حوزه و دانشگاه، س ۱، ش ۳
۵۱	۱۳۷۴/۶-۴	مرتضی کرباسی [کریمی نیا]	چند ترجمه	بای تعدیه در قرآن کریم، ق ۱	ن	بینات، س ۲، ش ۵
۵۲	۱۳۷۴/۶-۴	مرتضی کرباسی [کریمی نیا]	چند ترجمه	بای تعدیه در قرآن کریم، ق ۲	ن	بینات، س ۲، ش ۶
۵۳	۱۳۷۴/۶-۴	حسین استادولی	چند ترجمه	غزشگاه های ترجمه قرآن کریم، ق ۶	ن	بینات، س ۲، ش ۶
۵۴	۱۳۷۴/۶-۴	محمد دانشگر	ت: آیتی، مکاو و مجتبی	بررسی نشانه گذاری در سه ترجمه جدید از قرآن	ن	فصلنامه مصباح، س ۴، ش ۱۴
۵۵	۱۳۷۴/۹-۷	مجتبی سعیدی و استادولی	[چند ترجمه]	نقد و پاسخ درباره غزشگاه های ترجمه قرآن کریم	ج	بینات، س ۲، ش ۷
۵۶	۱۳۷۴/۹-۷	سید جلال الدین مجتبی	[ت طاهری]	سخنی چند درباره ترجمه قرآن کریم	ج	بینات، س ۲، ش ۷
۵۷	۱۳۷۴/۹-۷	محمد هادی شفیق آملی	[چند ترجمه]	سخنی درباره مقاله «بای تعدیه در قرآن کریم»	ج	بینات، س ۲، ش ۷
۵۸	۱۳۷۴/۱۱-۱۰	علی اکبر طاهری	نظر مجتبی	بررسی یک تقدیر درباره ترجمه قرآن کریم	ج	بینات، س ۲، ش ۸
۵۹	۱۳۷۴/۱۲-۱۰	مصطفی حسینی طباطبایی	ت: بورجوی	دقت در ترجمه قرآن کریم	ن	بینات، س ۲، ش ۸
۶۰	۱۳۷۴/۱۲-۱۰	حسین استادولی	ت: قمشهای	گزارشی از ویرایش جدید و کامل ترجمه قرآن شادروان مهدی الهی قمشهای	ن	بینات، س ۲، ش ۸
۶۱	۱۳۷۵/۳/۳	هوشنگ گلشیری	ت: خرمشاهی	در باب متن مرجع ترجمه قرآن مجید	ن	سلام، س ۵، ش ۱۴۳۵
۶۲	۱۳۷۵/۳/۱۰	بهاء الدین خرمشاهی	[ت: خرمشاهی]	بور یا باف و کارگاه حریر	ج	سلام، س ۵، ش ۱۴۳۹
۶۳	۱۳۷۵/۳/۱۷	هوشنگ گلشیری	[ت: خرمشاهی]	باز هم در باب متن مرجع ترجمه قرآن مجید، ق ۱	ج ج	سلام، س ۵، ش ۱۴۴۳
۶۴	۱۳۷۵/۳/۲۴	هوشنگ گلشیری	[ت: خرمشاهی]	باز هم در باب متن مرجع ترجمه قرآن مجید، ق آخر	ج ج	سلام، س ۶، ش ۱۴۴۹
۶۵	۱۳۷۵/۳/۳۱	بهاء الدین خرمشاهی	[ت: خرمشاهی]	باز هم در باب متن مرجع ترجمه قرآن مجید: زبان پریش یا نثر خلاق؟	ج	سلام، س ۵، ش ۱۴۵۵
۶۶	۱۳۷۵/۳-۱	مرتضی کریمی نیا	ت: مکارم	نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از آیت الله مکارم شیرازی	ن	بینات، س ۳، ش ۹
۶۷	۱۳۷۵/۳-۱	محمد علی کوشا	ت: آیتی	نقدی بر ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی از قرآن کریم	ن	وقف، میراث جاویدان س ۴، ش ۱۳
۶۸	۱۳۷۵/۳-۱	عباس یزدانی	[نظر خرمشاهی]	نکته ای بر نکات	ن	بینات، س ۳، ش ۹
۶۹	۱۳۷۵/۴/۱۴	ایرج میرضیانی	[نظر خرمشاهی]	در باب ترجمه قرآن	ن	سلام، س ۶، ش ۱۴۶۷
۷۰	۱۳۷۵/۴/۲۸	کامران فانی	[ت: خرمشاهی]	زبان حقیقت و حقیقت زبان: آداب نقد ترجمه قرآن	ن	سلام، س ۶، ش ۱۴۷۷
۷۱	۱۳۷۵/۵/۴	مصطفی موسوی	ت: خواجوی	نقدی کوتاه بر ترجمه قرآن خواجوی	ن	کیان، س ۶، ش ۳۱

تاریخچه نقد ترجمه‌های ... □ ۵۹

ردیف	تاریخ چاپ	نویسنده	درباره	نام مقاله	نوع اثر	آدرس
۷۲	۱۳۷۵/۶/۱۵	منوچهر کدیور	تخرمشاهی	در باب مناظره پیرامون ترجمه قرآن	ن	سلام، س ۶، ش ۱۵۱۸
۷۳	۱۳۷۵/۶-۴	محمد ربانی	[ت: مکارم]	جوابیه‌ای از نقد ترجمه قرآن کریم، آیت الله مکارم	ج	بینات، س ۳، ش ۱۰
۷۴	۱۳۷۵/۶-۱	محمد علی ضایی کرمانی	تخرمشاهی	نقدی بر ترجمه جدید قرآن «ترجمه خرمشاهی»	ن	فصلنامه مجوز و هوش های قرآنی، ش ۵-۶
۷۵	۱۳۷۵/۷/۱۲	بهاء الدین خرمشاهی	[تخرمشاهی]	مربوط به مناظره در باب ترجمه قرآن	ج	سلام، س ۶، ش ۱۵۴۳
۷۶	۱۳۷۵/۹/۸	محمد خواجوی	[تخرمشاهی]	پاسخ محمد خواجوی به نقد ترجمه قرآن	ج	کیان، س ۶، ش ۳۳
۷۷	۱۳۷۵/۹-۷	مسعود انصاری	ت فولادوند	نگاهی به ترجمه قرآن کریم از استاد محمد مهدی فولادوند	ن	بینات، س ۳، ش ۱۱
۷۸	۱۳۷۵/۹-۷	مرتضی کریمی نیا	[ت: مکارم]	توضیحی درباره یک جوابیه	ج	بینات، س ۳، ش ۱۱
۷۹	۱۳۷۵/۹-۷	مرتضی کریمی نیا	ت: مکارم	نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از آیت الله مکارم، ق ۲	ن	بینات، س ۳، ش ۱۱
۸۰	۱۳۷۵/۱۲/۴	امین میرزایی	تخرمشاهی	کاستی هایی چند در ترجمه آیات	ن	اطلاعات، ش ۹۹۶، ۲۰
۸۱	۱۳۷۵/۱۲/۲۵	بهاء الدین خرمشاهی	[تخرمشاهی]	کاستی هایی چند در نقد ترجمه قرآن مجید	ج	اطلاعات، ش ۱۰۱۳، ۲۱
۸۲	۱۳۷۵/۱۲-۱۰	مرتضی مطهری	ت: پاینده	نقد ترجمه قرآن آقای ابوالقاسم پاینده	ن	بینات، س ۳، ش ۱۲
۸۳	۱۳۷۵/۱۲-۱۰	عباس یزدانی	تخرمشاهی	پیرامون ترجمه استاد بهاء الدین خرمشاهی	ن	بینات، س ۳، ش ۱۲
۸۴	۱۳۷۶/۳-۱	احمد احمدی	ت: آیتی، خرمشاهی و فولادوند	بلای تقلید در ترجمه قرآن کریم	ن	بینات، س ۴، ش ۱۳
۸۵	۱۳۷۶/۳-۱	مسعود انصاری	ت: آیتی	نگاهی به ترجمه سوره توبه از عبدالمحمد آیتی	ن	بینات، س ۴، ش ۱۳
۸۶	۱۳۷۶/۳-۱	بهاء الدین خرمشاهی	[تخرمشاهی]	نقد ها را بود آیا که عباری گیرند؟	ج	بینات، س ۴، ش ۱۳
۸۷	۱۳۷۶/۳-۱	مرتضی کریمی نیا	چند ترجمه	از مقتضیات زبان فارسی در ترجمه قرآن کریم	ن	فصلنامه مجوز و دانشگاه، س ۳، ش ۱۰
۸۸	۱۳۷۶/۳-۱	محمد علی کوشا	تخرمشاهی	نقدی بر ترجمه بهاء الدین خرمشاهی از قرآن کریم از آغاز تفسیر قصص	ن	وقف، میراث جاویدان، س ۵، ش ۱۷
۸۹	۱۳۷۶/۶-۱	محمد حسن خراعی	تخرمشاهی	نگاهی دیگر به توضیحات و ترجمه قرآن کریم از خرمشاهی	ن	مشکو، ش ۵۴ و ۵۵
۹۰	۱۳۷۶/۶-۴	محمد علی کوشا	تخرمشاهی	نقدی بر ترجمه آقای بهاء الدین خرمشاهی از قرآن کریم (از قصص تاناس) ق ۲	ن	وقف، میراث جاویدان، س ۵، ش ۱۸
۹۱	۱۳۷۶/۶-۴	محمد هادی مؤذن جامی	تخرمشاهی	کاربرد حروف در قرآن کریم با نگاهی به ترجمه خرمشاهی	ن	وقف، میراث جاویدان، س ۵، ش ۱۸
۹۲	۱۳۷۶/۶-۱	عباس یزدانی	تخرمشاهی	نکاتی دیگر از یک ترجمه	ن	صحیفه مبین، ش ۹ و ۱۰
۹۳	۱۳۷۶/۶	مرتضی کریمی نیا	چند ترجمه	یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن	ن	تجمان وحی س ۱، ش ۱
۹۴	۱۳۷۶/۱۲	مرتضی کریمی نیا	چند ترجمه	چه را ترجمه نکنیم؟ و چرا؟	ن	تجمان وحی س ۱، ش ۲
۹۵	۱۳۷۶/۱۲	مجید صالحی	چند ترجمه	فهم یا تفهیم؟ فارسی نویسی، ضرورتی بایسته در ترجمه کلام وحی	ن	تجمان وحی س ۱، ش ۲
۹۶	۱۳۷۶/۱۲	یعقوب جعفری	چند ترجمه	دشواری ترجمه کلمات مترادف در قرآن	ن	تجمان وحی س ۱، ش ۲
۹۷	۱۳۷۶	بهاء الدین خرمشاهی	ت: آیتی	درباره ترجمه استاد آیتی از قرآن کریم	ن	سیرپی سلوک

۶۰ □ ترجمان وحی

ردیف	تاریخ چاپ	نویسنده	درباره	نام مقاله	نوع اثر	آدرس
۹۸	۱۳۷۷/۳-۱	نادعلی عاشوری تلوکی	ت: بی آزار شیرازی	«قرآن ناطق» و برگردان آیات	ن	بینات، س ۵، ش ۱۷
۹۹	۱۳۷۷/۶	محمد رضانصاری	ت: دهلوی	نقد و بررسی ترجمه شاه ولی اللّهدهلوی	ن	ترجمان وحی س ۲، ش ۳
۱۰۰	۱۳۷۷/۶	سید عبدالوهاب طالقانی	چند ترجمه	راه دستیابی به ترجمه‌های مطلوب از قرآن کریم	ن	ترجمان وحی س ۲، ش ۳
۱۰۱	۱۳۷۷/۶-۴	سید محمد مصماهی	ت: خرمشاهی	سخنی درباره ترجمه آقای خرمشاهی بر قرآن کریم	ن	بینات، س ۵، ش ۱۹
۱۰۲	۱۳۷۷/۱۲-۱۰	بهاء الدین خرمشاهی	ت: خرمشاهی	از محقق تا مقلد فقه‌است!	ج	بینات، س ۵، ش ۲۰
۱۰۳	۱۳۷۷/۱۲	یعقوب جعفری	چند ترجمه	ضرورت شناخت وجوه و نظایر در ترجمه قرآن کریم	ن	ترجمان وحی س ۲، ش ۴
۱۰۴	۱۳۷۷/۱۲/۲۹	سید علی محمد ربیعی	ت: جماندوست	شواری‌های گام نخست	ن، م	کتاب ماه، س ۲، ش ۵



نمودار مسیر تاریخی نقدها و جواب‌ها بر ترجمه‌های قرآن کریم به فارسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی